



## خط و نشان تاج

رئیس فدراسیون فوتبال:  
با ۱۰۰۰ تومان تراکش غیر سالم مالی  
هم برخورد می کنیم

صفحه ۶

سه شنبه ۱۳ آبان ۱۴۰۲ | ۲۵ دی‌ماه ۱۴۴۵ | ۲۰ جولای ۲۰۲۴ | سال شانزدهم | شماره ۸۱ | صفحه ۵ | ۵۰۰۰ تومان



روزنامه صبح ایران

VATANEMROOZ.IR

جواد لاریجانی با اشاره به بی‌اطلاعی کاندیدای  
اصلاح طلبان از مسائل اصلی کشور:

## پزشکیان

### اصلا نمی‌دانند

صفحه ۲

VATAN-E-EMROOZ | VOL.16 | NO.4075 | TUE.JUL.02, 2024 | ISSN:2008-2886

۱۸۹ سال و ۲۸۷ روز گذشت

## تیترهای امروز

حزب مارین لوپن، یکی از سرخ‌ترین منتقدان اتحادیه اروپایی، در انتخابات پارلمانی فرانسه پیروز شد

## پیروزی دشمن ناتو

رهبر حزب اجتماع ملی:  
فرانسه را از ناتو خارج خواهیم کرد



طلاق توافقی در تهران ۴۱ درصد کاهش شد

## جدایی از طلاق

افزایش نرخ سازش بین زوجین در پی ارائه بیش از ۱۰۰ هزار خدمت مشاوره خانواده

صفحه ۴

یادداشت «وطن امروز»

صندوق رأی، مهم‌ترین تجربه زیست اجتماعی

## ماجرای مشارکت

«وطن امروز» عملکرد اطرافیان پزشکیان و نگاه آنها به واردات را بازخوانی کرد

## میراث‌دار رانت

چرا تلاش اصلاح طلبان برای حاشیه‌سازی و ترساندن مردم از رقیب مؤثر نبوده است؟

## بازی با مشت پوچ

صفحه ۳، ۵

## دیدگاه

رئیس‌جمهور کاندیدهن با بحران آفرین؟

## به افتخار غرب‌زدگان ایرانی!

محمد ناصری: مناظره انتخاباتی جو بایدن، رئیس‌جمهور کنونی و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور سابق آمریکا در حالی برگزار شد که اکثریت قریب به اتفاق رای دهندگان در این کشور نسبت به تکرار دوگانه «بایدن - ترامپ» در انتخابات ریاست جمهوری ۵ نوامبر/ ۱۵ آبان، حسن بد و نفرت آمیزی دارند. حضور هر یک از این دو در کاخ سفید مولد بحران‌های پایدار و مزمنی در سیاست داخلی و خارجی آمریکاست، تا اندازه‌ای که امروز به جای «رای ایجابی»، «رای سلبی» به این نامزدها موضوعیت پیدا کرده است. بسیاری از رای‌دهندگان از بازگشت ترامپ به مسند قدرت و تکرار بحران‌سازی‌های عجیب او نگرانند و در مقابل، همان‌رای‌دهندگان با مشاهده ناتوانی جسمی، ذهنی و مدیریتی بایدن و دموکرات‌ها حضور یک رئیس‌جمهور بحران‌ساز را به رئیس‌جمهوری کاندیدهن ترجیح می‌دهند. مناظره انتخاباتی اخیر، با چاشنی فحش و تمسخر برگزار شد و طرفین به جای ارائه برنامه‌های انتخاباتی، به نقاط ضعف پر شمار یکدیگر تاختند.

نکته جالب توجه اینکه رسانه‌های اصلاح طلب و کارگزار، به جای پرداختن به ساختار و بستری که این دوگانه انتخاباتی از بطن آن پمپاژ و به شهروندان آمریکایی تحمیل شده است، صرفاً بر روی رقابت «بایدن - ترامپ» متمرکز شده‌اند!

برخی روشنفکران غرب‌زده نیز افتخار می‌کنند که در ساختار انتخاباتی آمریکا، فردی که در حال حاضر حاکم است، به بازیکر فیلم‌ها، مستهجن به اثبات رسیده و اگر راهی کاخ سفید نشود، در زندان جا خوش خواهد کرد، توانسته از حق آزاده خود برای حضور در انتخابات استفاده کند و دموکراسی آمریکایی را به رخ افکار عمومی دنیا بکشد!

واقعیت ماجرا این است: دموکراسی انتخاباتی ادعایی در آمریکا هم از بعد ساختار و هم از بعد بازیرگان جذب‌های برای کسانی که به دنبال آزادی واقعی انسان‌ها هستند، ندارد. درست در چنین بستری پوپولیسم و لمپنیسم حرف اول و آخر را زده و نتایج آن، عکاسی می‌شوند. اساساً ساختار کالک‌کنترل (ساختار انتخاباتی آمریکا) هم مستعد تقلب است و هم مولد آن! با این حال چنین تقلبی کاملاً سیستماتیک و در مقابل چشمان مردم آمریکا و دنیا رخ می‌دهد، ساختاری که به صورت سنتی متقلبان بوده و براساس تجمیع آرای شهروندان شکل نگرفته است. در این ساختار، هر شهروند یک رای ندارد و براساس زندگی در یک ایالت کوچک یا بزرگ، ارزش رای یک شهروند تعیین می‌شود.

ادامه در صفحه ۶

سعید جلیلی در جمع مردم گرگان: باید تعامل گسترده‌ای با جهان داشته باشیم اما نه تعامل از روی ضعف، بلکه از روی قوت؛ ملت ما برای استفاده از یک جهان پیشرفت باید تعامل گسترده با جهان داشته باشد

# یک جهان تعامل



عکس: حسین‌نایی‌الوردی

صفحه ۲

## فرصت اندک برای حل معادله چندمجهولی ۱۵ تیر

تهران و البرز، در تمام استان‌های مرکزی ایران رای نخست را از آن خود کرد و در استان‌های اصفهان، قم، سمنان، مرکزی و یزد حتی بیش از ۵۰ درصد آرا را در سبد خود جای داد. این مساله از آنجا واجد اهمیت است که استانی مانند یزد که همواره پایگاه رای سنتی و ثابت اصلاح طلبان بوده، کمترین استقبال از پزشکیان نکرده است و این معنایی جز آن ندارد که ظرفیت‌های قومیتی بوده است و به رغم وزن بالای آرای پزشکیان، رای وی را نمی‌توان چندان ناشی از مرجعیت یافتن اصلاح طلبان دانست؛ مساله‌ای که محمدرضا تاجیک، رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری در دولت محمد خاتمی نیز در گفت‌وگو با ایسنا به آن اذعان و خاطر نشان کرد: «جریان اصلاحات تقریباً با تمام سرمایه خود به میدان آمد. رأی که پشت سر آقای پزشکیان رفته است، از سبد اصلاح طلبی نیست، بلکه از روستاها و اقصای شهرهای کوچک است که بیشترین رأی را به او دادند و نمی‌توان گفت از طبقه متوسط است که سبد رای اصلاح طلبی است». با این حال این رای با هر خاستگاهی، در دور نخست به سبد پزشکیان رفت و احتمالاً با درصد اندکی تغییر در دوم نیز به سبد رای وی سرازیر خواهد شد. اهمیت دوم از آن جهت است که با توجه به کم‌رق بودن پایگاه رای کلاسیک اصلاح طلبان یعنی طبقه متوسط، اگر این پایگاه در دوم از انفعال خارج شود، امکان وارد کردن شوک به نتایج را دارد.

در دوم از انفعال خارج شود، امکان وارد کردن شوک به نتایج را دارد. در سومین دوره انتخابات برای ۴ میلیون رای بالقوه با توجه به افزایش مشارکت در این استان‌ها می‌توان انتظار فعال شدن بیش از نیمی از رای را به سعید جلیلی را داشت. به همین خاطر شبکه حامیان جلیلی در این زمان محدود باید عمده توان خود را بر ارتباط گیری با استان‌های اصفهان، کرمان، یزد، خوزستان، فارس، هرمزگان و بوشهر موقوف کنند، چرا که با کاسته شدن از تعداد مردمان در این استان‌ها گرایش به وی بیش از کاندیدایی خواهد بود که مهم‌ترین برگ برنده‌اش تحرک شکاف‌های قومیتی است. تاکید ویژه جلیلی بر افزایش نقش آفرینی روستاها در برنامه کلان اقتصادی کشور و تسلط بر ظرفیت‌های محیطی هر کدام از استان‌ها و به حمایتش این امکان را می‌دهد تا به جای مانور روی

را کسب کرده است. تهران، البرز و خراسان شمالی تنها استان‌هایی بوده که بدون وجود مولفه قومیت و زبان، رای پزشکیان از جلیلی بیشتر بوده است. این مساله از جهت واجد اهمیت است؛ نخست آنکه نشان می‌دهد سنخ رای کسب شده توسط پزشکیان بیش از آنکه جناحی و همسو با اصلاح طلبان باشد، برآمده از ظرفیت‌های قومیتی بوده است و به رغم وزن بالای آرای پزشکیان، رای وی را نمی‌توان چندان ناشی از مرجعیت یافتن اصلاح طلبان دانست؛ مساله‌ای که محمدرضا تاجیک، رئیس مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری در دولت محمد خاتمی نیز در گفت‌وگو با ایسنا به آن اذعان و خاطر نشان کرد: «جریان اصلاحات تقریباً با تمام سرمایه خود به میدان آمد. رأی که پشت سر آقای پزشکیان رفته است، از سبد اصلاح طلبی نیست، بلکه از روستاها و اقصای شهرهای کوچک است که بیشترین رأی را به او دادند و نمی‌توان گفت از طبقه متوسط است که سبد رای اصلاح طلبی است». با این حال این رای با هر خاستگاهی، در دور نخست به سبد پزشکیان رفت و احتمالاً با درصد اندکی تغییر در دوم نیز به سبد رای وی سرازیر خواهد شد. اهمیت دوم از آن جهت است که با توجه به کم‌رق بودن پایگاه رای کلاسیک اصلاح طلبان یعنی طبقه متوسط، اگر این پایگاه در دوم از انفعال خارج شود، امکان وارد کردن شوک به نتایج را دارد.

می‌تواند این سبب رای را تغییر دهد اما دور از ذهن است که کاهش یا افزایش مشارکت بیش از یک یا ۲ میلیون رای باشد. در این شرایط احتمالاً فرد پیروز در انتخابات فاصله کمی با فرد شکست خورده داشته باشد؛ از این نظر این احتمال نزدیک به یقین است که شکنده‌ترین فاصله میان نفر اول و دوم در ادوار انتخابات ریاست جمهوری ایران ثبت شده و سرنوشت فرد پیروز را چندصد هزار تا یک میلیون رای مشخص کند. توجه به مجموعه این واقعات، سیاست‌گذاری انتخاباتی ۲ کاندیدا را نیز کاملاً تحت تأثیر قرار می‌دهد، چرا که تنها جهش رای در یک کلان‌شهر، افت مشارکت در یک استان یا فعال شدن کانون تبلیغات در یک طبقه اجتماعی می‌تواند سرنوشت نهایی انتخابات را مشخص کند. برای نمونه در دور نخست انتخابات فاصله رای نفر اول و دوم در استان خراسان شمالی تنها ۲۷ عدد یعنی کمتر از مسافران یک اتوبوس بود.

در نظر گرفتن مجموعه این موارد ۴۸ ساعت آتی واجد اهمیت ویژه‌ای برای تعیین رئیس‌جمهور آینده ایران است. انداختن نگاهی به آرای آقایان جلیلی و پزشکیان در سراسر کشور موید چند نکته است. بر اساس آمار آنچه بیشترین وزن را در سبد آرای مسعود پزشکیان داشته، مولفه قومیت بوده است. او در استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، ایلام، کرمانشاه، کردستان، سیستان و بلوچستان، لرستان، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری و زنجان که مساله قومیت و زبان مطرح بوده، رای نخست

## یادداشت

علی محمد هنرمند: انتخابات

۸ تیر از زوایای مختلف یک نمونه خاص در ادوار انتخاباتی کشور به حساب می‌آید که می‌تواند هدف تحقیقات و پژوهش‌های سیاسی متعددی قرار گیرد. اختصاراً این نخستین انتخابات خارج از تقویم بعد از انتخابات سومین دوره ریاست جمهوری (پس از شهادت محمدعلی رجایی در شهریور ۶۰) بود، چرا که در یک ناپهنگامی ناشی از شهادت رئیس‌جمهور مستقر برگزار شد. از سوی دیگر تثبیت افت مشارکت در این انتخابات خبر از تغییر بافت سیاسی و اجتماعی در کشور داشت که در صورت جدی گرفته نشدن، مخاطرات زیادی برای آینده کشور به همراه دارد. نهایت جنس کنگشگری و بافت آرا حکایت از یک تحول ادراکی در میان مشارکت‌کنندگان داشت. با این حال آنچه واقعیت دارد، ناتمام ماندن این انتخابات با توجه به ۲ مرحله‌ای شدن آن است؛ مساله‌ای که هرچند یکبار سال ۸۴ تجربه شده اما با مختصات متفاوتی در حال تکرار است. نهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در حالی به مرحله دوم رفت که ۲ نامزد راه یافته به آن مرحله ۱۲ میلیون از ۲۹ میلیون رای ثبت شده را به خود اختصاص داده بودند و برای ۱۷ میلیون رای بالقوه دیگر وارد رقابت با هم می‌شدند اما در انتخابات چهاردهم ۲ کاندیدای راه یافته به مرحله دوم نزدیک ۲۰ میلیون از ۲۴ میلیون رای ثبت شده را به خود اختصاص داده‌اند و در صورت تکرار مشارکت دور اول در دومین دور انتخابات برای ۴ میلیون رای بالقوه با همدیگر رقابت می‌کنند (کاهش یا افزایش مشارکت

## جلیلی چرا و چطور پدیده شد

نیز به اقتصاد کشور تحمیل کرد. حالا اصلاح طلبان به دنبال آن هستند که این لباس را به تن «مسعود پزشکیان» ببوشانند اما تاکنون چقدر در تحمیل این ایده موفق بوده‌اند؟  
آنگونه که از بحث‌ها و نظرات مشخص است، پزشکیان آن «سوپرمنی» نبود که اصلاح طلب‌ها به دنبالش می‌گشتند. این موضوع را به راحتی می‌توان از طرز سخن‌های حامیان اصلاحات دریافت اما تغییر در روند تبلیغاتی وی حاصل نشد و این روزها پزشکیان در انتهای مناظره‌ها بیانه می‌خواند و او به جای ارائه برنامه و ایستادن بر آمار و تحلیل‌های کارشناسی برای مشخص کردن مسیر دولتش می‌گوید کارشناس نیست و تلاش می‌کند پیش‌نویس‌هایی را با همان عدم انسجام کلامی بخواند، بدون آنکه بتواند برای چند ثانیه به دوربین خیره شود و مردم ایران را خطاب قرار دهد. پزشکیان در برنامه‌های تلویزیونی با نمایش‌های میدانی نشان داده است «برنامه‌ای برای اداره کشور ندارد و عمده نظرات او بدیهه می‌شود. همان زمان تاکید شد که اصلاح طلبان پس از آنکه دانستند پزشکیان «پدیده نیست» و تسلط کافی بر مسائل ملی و بین‌المللی ندارد و حتی نمی‌توانند بر ظرفیت وی به گونه‌ای حساب کنند که برنامه‌های دیکته‌شده را با زبان

رسا و بیان شیوا منتقل کند، سراغ کسانی رفتند که در دولت روحانی دارای مسؤلیت بودند. اما جلیلی! جلیلی تلاش نکرده از دولت‌ها مسؤلیت بگیرد، او نقش مشاوره‌ای داشته است. بر اساس آنچه گفته است بررسی‌های میدانی به او دید و شناخت داده است. سفرهای استانی داشته است. او برنامه محرومیت‌زدایی دارد و اقتصاد سایبری را به رسمیت می‌شناسد. جلیلی می‌گوید بر مساله‌های مختلف تمرکز و برای رفع مشکلات راحل پیدا کرده است. نکته مهم بعد درباره جلیلی، شبکه فرا حزبی و کاملاً مردمی است. مبلغان جلیلی خود را وابسته به احزاب نمی‌دانند. شبکه‌ای که او ایجاد کرده بسیار دور از تکلف‌های سیاسی و پیچیدگی‌های جناحی در حال فعالیت است. ایده «دولت سایه» توانست از کف روستا تا عمق شهرها برای وی شبکه‌سازی کند. ثبات شخصیت خود را حفظ و ایده خود برای مدیریت کشور را معرفی کند. کمتر کسی می‌تواند رگه‌های عقب‌نشینی را در آنچه او باور دارد پیدا کند. شخصیت وی به گونه‌ای است که با رانت و فساد فاصله دارد. عبارت «هن با فساد مبارزه می‌کنم و می‌دانم صدای شما درمی‌آید» همچنان تازه است.

این عبارت در صادقانه‌ترین حالت خود مطرح شد. جلیلی امیدوار به آینده است و شرایط ایران را یک فرصت برای جهش می‌داند. این نگاه با نگاه موجود که بر «نمی‌شود و نمی‌توانیم و نمی‌گذارند» تاکید دارد، تفاوت‌های جدی دارد. جلیلی ستادی مدیریت نمی‌کند و سعی می‌کند مدیریت را از صف به ستاد بکشد. او در ستاد خود ننشسته تا دستور دهد و بخشنامه صادر کند، بلکه می‌خواهد بداند گروه‌های میدان و کف چیست تا بر آن تمرکز کند. نکته دیگر اینکه یکی از افراد نزدیک به شهید رئیسی، جلیلی بوده است. گفتمان شهید رئیسی در ارتباط با محرومان و رفع تبعیض و درک مشکلات از سرمنشأ آن به همراه اخلاق‌مداری آن شهید گرانقدر اکنون سرمایه‌های است که در اختیار جلیلی قرار گرفته است. جریان اصلاح طلب در حالی بر ظرفیت دوقطبی با جلیلی و ایجاد هراس و ترس برای جذب آرای پزشکیان حساب کرده بود که صندوق‌های رای «واقعیت» دیگری را پیش روی این جریان قرار داد و ما با حضور این جریان در عرصه انتخابات شاهد رشد بی‌تفاوتی در جامعه شدیم. جریانی که در میدان حاضر می‌شود تا القای ناامیدی کند، صرفاً می‌تواند بر کاهش مشارکت تأثیر بگذارد. در مقابل اما نگاه امیدوارانه به آینده حتماً برای مردم جذاب‌تر است.